

زمانبندی دسته‌ای در محیط جریان کاری منعطف

محمد رضا امین ناصری*، عیسی نخعی** و محمد علی بهشتی نیا***
دانشکده فنی و مهندسی، گروه مهندسی صنایع، دانشگاه تربیت مدرس

(دریافت مقاله: ۱۳/۷/۸۴ - دریافت نسخه نهایی: ۲۳/۸۶)

چکیده - این مقاله به بررسی مسئله زمانبندی دسته‌ای در محیط جریان کاری منعطف می‌پردازد. در این مقاله فرض می‌شود که برخی از ماشینها قابلیت پردازش همزمان چند کار را دارند. این مسئله در صنایع مختلفی از قبیل صنایع تولید فنر، سیم و صنایع اتومبیل‌سازی کاربرد دارد. ابتدا مدل ریاضی عدد صحیح مختلط مسئله بیان می‌شود و سپس NP-Hard بودن مسئله نشان داده می‌شود. سه الگوریتم ابتکاری به نامهای H1، H2، H3 به منظور حل مسئله و یک کران پایین به منظور مقایسه الگوریتمها توسعه داده می‌شود. در انتها نیز به مقایسه الگوریتمهای ارائه شده با یکدیگر پرداخته می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که الگوریتم H3 نسبت به سایر الگوریتمها نتایج بهتری را می‌دهد.

واژگان کلیدی: زمانبندی - جریان کاری منعطف - توالی عملیات - دسته - الگوریتم ابتکاری

Batch Scheduling in Flexible Flow Shop

M.R. Amin Naseri, I. Nakhaee, and M. A. Beheshti Nia

Department of Industn Engineering, Faculty of Engineering, Tarbial Modarres University

Abstract: *In this paper, the problem of batch scheduling in a flexible flow shop environment is studied. It is assumed that machines in some stages are able to process a number of jobs simultaneously. The applications of this problem can be found in various industries including spring and wire manufacturing and in auto industry. A mixed integer programming formulation of the problem is presented and it is shown that the problem is NP-Hard. Three heuristics will then be developed to solve the problem and a lower bound is also developed for evaluating the performance of the proposed heuristics. Results show that heuristic H3 gives better results compared to the others.*

Keywords: *Scheduling, Flexible flow shop, Sequencing, Batch, Heuristics.*

*** - دانشجوی دکتری

** - استادیار

* - دانشیار

یک عدد حقیقی مثبت بسیار بزرگ	Q	زمان تکمیل کار i در مرحله j	c_{ji}
ظرفیت انجام همزمان کارها برای ماشین kام در مرحله j	u_{jk}	حداکثر زمان تکمیل کارها در مرحله آخر	c_{max}
سرعت ماشین kام در مرحله j	v_{jk}	زمان تکمیل bامین دسته روی ماشین k، در مرحله j	$d_{j,k,b}$
اگر در مرحله j (به شرطی که ظرفیت ماشین آلات آن برابر یک باشد) کار i به ماشین k تخصیص یابد برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر است	x_{jki}	شاخص کار، $i=1,2,\dots,n$	i
اگر در مرحله j (به شرطی که ظرفیت ماشین آلات آن برابر یک باشد) کار i قبل از کار l قرار گیرد برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر است	y_{jil}	شاخص مرحله، $j=1,2,\dots,m$	j
اگر در مرحله j (به شرطی که ظرفیت ماشین آلات آن بیشتر از یک باشد) کار i به b امین دسته ^۱ از ماشین k تخصیص یابد برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر است	$z_{j,k,i,b}$	شاخص ماشین، $\forall j,k = 1,2,\dots,l_j$	k
		تعداد ماشینها در مرحله j	l_j
		تعداد مراحل	m
		تعداد کارها	n
		واحدهای زمانی مورد نیاز به منظور پردازش کار i در مرحله j	p_{ij}
		مدت زمان لازم برای پردازش کار i در مرحله j، در صورت تخصیص به ماشین kام	p_{ijk}

۱- مقدمه

این مقاله به بررسی مسئله زمانبندی دسته‌ای در محیط جریان کاری منقطع^۱ می پردازد. در این مقاله فرض می شود که برخی از ماشینها قابلیت پردازش همزمان چند کار را دارند و امکان دسته بندی کارها، به منظور پردازش سریعتر و ارزاتر آنها وجود دارد. امروزه در اکثر محیطهای تولیدی ایستگاههایی وجود دارند که در آنها چند کار به طور همزمان می توانند روی یک ماشین مورد پردازش قرار گیرند. کوره‌های پخت و عملیات گرمایی، سند بلاست، شات بلاست، ریخته گری (قالبهای خوشه‌ای) و ... از جمله ایستگاههایی هستند که در آنها چند کار به طور همزمان می توانند روی یک ماشین مورد پردازش قرار گیرند.

مسئله جریان کاری منقطع اولین بار توسط سالوادر [۱] مطرح شد. لین و ژانگ [۲] در مقاله‌ای، تحقیقاتی که تا سال ۱۹۹۹ در زمینه مسئله جریان کاری منقطع انجام شده‌اند را بررسی کرده و آنها را از سه دیدگاه مختلف، تقسیم بندی کرده‌اند. تحقیقات از دیدگاه تعداد مراحل در نظر گرفته شده در

محیط زمانبندی، به سه دسته‌ی دو مرحله‌ای، سه مرحله‌ای و k مرحله‌ای ($k \geq 3$) دسته بندی شده‌اند. از دیدگاه توابع هدف در نظر گرفته شده، مسائل به سه دسته تک معیاره، دو معیاره و چند معیاره دسته بندی شده‌اند. از دیدگاه روشهای حل مسئله نیز، دو دسته‌ی شاخه و حد^۲ و الگوریتمهای ابتکاری^۳ در نظر گرفته شده‌اند.

تا قبل از سال ۱۹۹۹ بجز تحقیقاتی نظیر تحقیق کوچر و موردز [۳]، اکثر تحقیقات روی مسئله جریان کاری منقطع، بدون در نظر گرفتن محدودیتهای خاصی متمرکز شده‌اند. در تحقیقات بعد از سال ۱۹۹۹، عمدتاً محدودیتهای متفاوتی نیز در نظر گرفته شده‌اند.

ساویک [۴] یک روش دقیق را بر اساس مدل سازی عدد صحیح مختلط^۴، برای حل مسئله جریان کاری منقطع با بافرهای میانی محدود و زمانبندی گروهی ارائه داده است. کپرسز و کولاماس [۵] یک الگوریتم ابتکاری برای مسئله جریان کاری منقطع با تابع هدف جمع وزنی زمانهای تکمیل کارها^۵ ارائه

داده‌اند. الگوریتم آنها مسئله مورد نظر را به یک مسئله ماشینهای موازی تبدیل کرده و پس از به دست آوردن توالی کارها، مجدداً آن را به یک مسئله جریان کاری منعطف تبدیل می‌کند. کرز و اسکین [۶] به بررسی مسئله جریان کاری منعطف با در نظر گرفتن زمانهای آماده سازی وابسته به توالی^۶ و مجاز بودن پرش کارها از برخی مراحل پرداخته و سه دسته از الگوریتمهای ابتکاری را برای حل مسئله مورد نظر ارائه داده‌اند. الگوریتمهای دسته اول بر پایه تخصیص ساده کارها به ماشینها و بدون توجه به زمانهای پردازش آنها استوارند. الگوریتمهای دسته دوم بر پایه روشهای حل مسئله فروشنده دوره گرد^۷ و الگوریتمهای دسته سوم بر پایه قاعده جانسون^۸ استوارند. کرز و اسکین [۷] مجدداً به بررسی همین مسئله پرداخته و پس از مدلسازی عدد صحیح مختلط مسئله مذکور و ارائه یک کران پایین، یک الگوریتم ژنتیک به نام RKGA را نیز برای آن ارائه داده‌اند. اسرو و پاترینا [۸] به بررسی مسئله جریان کاری منعطف با تابع هدف کمینه کردن حداکثر زمان تکمیل کارها پرداخته‌اند. الگوریتم آنها بر پایه نظریه محدودیتها^۹ استوار است.

اگاز و همکاران [۹] به بررسی مسئله جریان کاری منعطف با تابع هدف کمینه کردن حداکثر زمان تکمیل کارها پرداخته‌اند. آنها فرض کرده‌اند که برای هر عملیات در هر مرحله، ممکن است چند ماشین مورد نیاز باشد. آنها یک روش جستجو ممنوع^{۱۰} را برای حل مسئله ارائه داده‌اند. لوجندران و همکاران [۱۰] به بررسی مسئله جریان کاری منعطف با در نظر گرفتن زمانبندی گروهی^{۱۱} و تابع هدف کمینه کردن حداکثر زمان تکمیل کارها پرداخته‌اند. در مسئله آنها فرض شده است که کارهای هر گروه می‌توانند روی چند ماشین مورد پردازش قرار گیرند که در این صورت به ازای هر ماشین، یک زمان آماده‌سازی جداگانه نیاز است. اما اگر تمام کارهای یک گروه روی یک ماشین مورد پردازش قرار گیرند، تنها یک زمان آماده‌سازی برای آنها کافی است.

کپرسز و کولاماس [۱۱] به بررسی مسئله جریان کاری منعطف با در نظر گرفتن تفاوت سرعت ماشینها و تابع هدف

کمینه کردن حداکثر زمان تکمیل کارها پرداخته‌اند. در تحقیقاتی که روی مسئله مذکور صورت گرفته است، از نظر روش حل مسئله، به طور کلی تا کنون سه دسته از روشهای حل برای مسئله ارائه شده‌اند که شامل روشهای دقیق از قبیل برنامه ریزی ریاضی و الگوریتم شاخه و حد، روشهای فرا ابتکاری^{۱۸} مانند شبیه سازی بازپخت^{۱۹}، الگوریتم ژنتیک^{۲۰} و الگوریتم جستجو ممنوع و روشهای ابتکاری، سه گروه مزبور را تشکیل می‌دهند.

بودن^{۲۴}، برای تمام کارها برابر صفر فرض شده و قطع کارها جایز نیست. ماشینها نیز دچار خرابی نمی‌شوند ولی ممکن است در برخی از مواقع دچار بیکاری شوند.

در مسئله مورد بررسی در این مقاله علاوه بر فرضیات محیط جریان کاری منعطف فرض می‌شود که ماشینهای هر مرحله کاملاً مشابه هم بوده و فقط ممکن است از لحاظ سرعت انجام کار با یکدیگر تفاوت داشته باشند. همچنین فرض می‌شود مدت زمان لازم برای پردازش کار i در مرحله j ، در صورت تخصیص به ماشین k که با p_{ijk} نشان داده می‌شود از معادله زیر به دست می‌آید.

$$p_{ijk} = \frac{p_{ij}}{v_{jk}} \quad \forall i = 1, 2, \dots, n$$

این سرعت بیانگر این مطلب است که ماشین k در مرحله j ، می‌تواند v_{jk} واحد زمانی مورد نیاز برای پردازش کارها را در یک واحد زمان انجام دهد. استفاده از این تعریف برای سرعت ماشین‌آلات توسط کپرسز و کولاماس [۱۱] پیشنهاد شده است. علاوه بر این فرض می‌شود که در برخی از مراحل، ماشینها می‌توانند چند کار را همزمان مورد پردازش قرار دهند که در این حالت ظرفیت ماشینها ممکن است متفاوت باشد (این ظرفیت برای ایستگاههای معمولی برابر یک کار فرض می‌شود). در مرحله‌ای که دارای ماشینهایی با ظرفیت بیشتر از یک هستند، ممکن است پردازش کاری به پایان برسد اما باید منتظر بماند تا کلیه کارهای متعلق به آن دسته تکمیل شوند. در این حالت زمان تکمیل کارهای متعلق به هر دسته یکسان و برابر طولانیترین زمان تکمیل کارهای متعلق به آن دسته است. تابع هدف مسئله، کمینه ساختن حداکثر زمانهای تکمیل کارها در مرحله آخر (C_{max}) است.

۳- فرمولبندی مسئله

در این قسمت مدل ریاضی عدد صحیح مختلط مسئله مورد بررسی را ارائه می‌دهیم. مدل ریاضی عدد صحیح مختلط مسئله مورد بررسی، در زیر آورده شده است.

در مورد مسئله زمانبندی دسته‌ای نیز تحقیقات مختلفی صورت پذیرفته است. مونما و پاتس [۱۶] زمانبندی دسته‌ای را با توابع هدف مختلف روی محیط تک ماشینی مورد بررسی قرار داده‌اند. واخاریا و چانگ [۱۷] یک روش شبیه‌سازی بازپخت را برای مسئله زمانبندی دسته‌ای با تابع هدف کمینه کردن حداکثر زمان تکمیل کارها، در محیط جریان کاری ارائه کرده‌اند. در الگوریتم آنها توالی کارها در تمام مراحل یکسان فرض شده است. مونما و پاتس [۱۸] یک الگوریتم تخمینی^{۲۱} را برای مسئله زمانبندی دسته‌ای با مجاز بودن قطع کارها^{۲۲}، در محیط ماشینهای موازی ارائه داده‌اند. پاتس و ون‌واسنهوف [۱۹] تحقیقات مختلفی را که تا سال ۱۹۹۲ روی مسائل زمانبندی دسته‌ای انجام شده بود را مورد بررسی قرار داده‌اند. پس از آنها وبستر و بیکر [۲۰] و پاتس و کوالیو [۲۱] این بررسی را توسعه داده‌اند.

در ادامه این مقاله، در بخش دو به تعریف مسئله می‌پردازیم. در بخش سوم به ارائه روشهای مختلف برای حل مسئله مورد نظر پرداخته می‌شود و یک کران پایین برای مسئله توسعه داده می‌شود. بخش چهارم به بیان نتایج محاسباتی به دست آمده از مقایسه و بررسی روشهای مختلف حل مسئله اختصاص یافته است و در بخش پایانی نتیجه‌گیری و زمینه‌های تحقیقات آتی ارائه می‌شود.

۲- تعریف مسئله

در این تحقیق به زمانبندی دسته‌ای در محیط جریان کاری منعطف پرداخته می‌شود. در برخی از ایستگاهها امکان انجام همزمان چند کار توسط ماشینها وجود دارد و بنابراین کارها دسته‌بندی می‌شوند. در محیط جریان کاری منعطف فرض می‌شود، تعداد n کار وجود دارند که باید در m مرحله روی آنها پردازش انجام پذیرد. در هر مرحله مانند مرحله j تعداد z_j ماشین وجود دارد. مسیر انجام پردازش برای تمام کارها یکسان است و هر کار باید از تمام مراحل بگذرد و در هر مرحله تنها باید روی یکی از ماشینها پردازش شود. همچنین زمانهای آماده‌سازی^{۲۳} ماشین آلات، حمل و نقل بین مراحل و آماده

$$c_{j,i} \geq d_{j,k,b-1} + \frac{P_{ji}}{V_{jk}} - Q \times (1 - z_{j,k,i,b})$$

$$j = 1, 2, \dots, m \mid \exists u_{jk} > 1, \text{ for } k = 1, 2, \dots, l_j$$

$$i = 1, 2, \dots, n$$

$$k = 1, 2, \dots, l_j$$

$$b = 1, 2, \dots, \left\lceil \frac{n}{u_{j,k}} \right\rceil + 1$$
(۸)

$$C_{\max} \geq C_{mi} \quad i = 1, 2, \dots, n \quad (۹)$$

$$j = 1, 2, \dots, m \mid \exists u_{jk} > 1, \text{ for } k = 1, 2, \dots, l_j$$

$$d_{j,k,b} \geq d_{j,k,(b-1)} \quad k = 1, 2, \dots, l_j$$

$$b = 1, 2, \dots, \left\lceil \frac{n}{u_{j,k}} \right\rceil + 1$$
(۱۰)

مجموعه محدودیتهای (۱) تضمین می‌کند که برای مراحل با ماشینهای دارای ظرفیت یک، هر کار فقط به یک ماشین تخصیص می‌یابد. مجموعه محدودیتهای (۲) تضمین می‌کند که برای مراحل دارای ماشینی با ظرفیت بیشتر از یک، هر کار دقیقاً به یک ماشین و به یک دسته از آن ماشین اختصاص می‌یابد. مجموعه محدودیتهای (۳) ظرفیت هر ماشین را برای مراحل دارای ماشینی با ظرفیت بیشتر از یک در نظر می‌گیرد. مجموعه محدودیتهای (۴) ارتباط بین تاریخ تکمیل هر کار با تاریخ تکمیلش در مرحله قبل را برای مراحل با ماشینهای دارای ظرفیت یک در نظر می‌گیرد. مجموعه محدودیتهای (۵) همین ارتباط را برای مراحل دارای ماشینی با ظرفیت بیشتر از یک می‌گیرد. مجموعه محدودیتهای (۶) زمان تکمیل هر کار در مرحله صفرم را برابر صفر در نظر می‌گیرد. مجموعه محدودیتهای (۷) ارتباط بین زمان تکمیل کارهای درون یک مرحله نسبت به هم را برای مراحل با ماشینهای دارای ظرفیت یک در نظر می‌گیرد. مجموعه محدودیتهای (۸) همین ارتباط را برای مراحل دارای ماشینی با ظرفیت بیشتر از یک در نظر می‌گیرد. مجموعه محدودیتهای (۹) C_{\max} را با توجه به زمان تکمیل کارها در مرحله آخر تعیین می‌کند. مجموعه محدودیتهای (۱۰) بین تاریخ تکمیل دسته‌های متعلق به یک

$$\text{Min } c_{\max}$$

subject to:

$$\sum_{k=1}^{l_j} x_{jki} = 1 \quad j = 1, 2, \dots, m \mid u_{jk} = 1, \forall k = 1, 2, \dots, l_j$$

$$i = 1, 2, \dots, n$$
(۱)

$$\sum_{k=1}^{l_j} \left\lceil \frac{n}{u_{j,k}} \right\rceil + 1 \sum_{b=1}^{\left\lceil \frac{n}{u_{j,k}} \right\rceil + 1} z_{j,k,i,b} = 1 \quad j = 1, 2, \dots, m \mid \exists u_{jk} > 1, \text{ for } k = 1, 2, \dots, l_j$$

$$i = 1, 2, \dots, n$$
(۲)

$$\sum_{i=1}^n z_{j,k,i,b} \leq u_{jk} \quad j = 1, 2, \dots, m \mid \exists u_{jk} > 1, \text{ for } k = 1, 2, \dots, l_j$$

$$k = 1, 2, \dots, l_j$$

$$b = 1, 2, \dots, \left\lceil \frac{n}{u_{j,k}} \right\rceil + 1$$
(۳)

$$c_{ji} \geq c_{(j-1)i} + \frac{P_{ji}}{V_{jk}} - Q \times (1 - x_{jki})$$

$$j = 1, \dots, m \mid u_{jk} = 1, \forall k = 1, 2, \dots, l_j$$

$$i = 1, 2, \dots, n$$

$$k = 1, 2, \dots, l_j$$
(۴)

$$d_{j,k,b} \geq c_{(j-1),i} + \frac{P_{ji}}{V_{jk}} - Q \times (1 - z_{j,k,i,b})$$

$$j = 1, \dots, m \mid \exists u_{jk} > 1, \text{ for } k = 1, 2, \dots, l_j$$

$$i = 1, 2, \dots, n$$

$$k = 1, 2, \dots, l_j$$

$$b = 1, 2, \dots, \left\lceil \frac{n}{u_{j,k}} \right\rceil + 1$$
(۵)

$$c_{0,i} = 0 \quad i = 1, \dots, n \quad (۶)$$

$$c_{ji} + Q \times (2 + y_{jil} - x_{jki} - x_{jkl}) \geq c_{jl} + \frac{P_{ji}}{V_{jk}}$$

$$c_{jl} + Q \times (3 - y_{jil} - x_{jki} - x_{jkl}) \geq c_{ji} + \frac{P_{jl}}{V_{jk}}$$

$$j = 1, \dots, m \mid u_{jk} = 1, \forall k = 1, 2, \dots, l_j$$

$$i, l = 1, 2, \dots, n$$

$$i < l$$

$$k = 1, 2, \dots, l_j$$
(۷)

برای حل مسئله مورد بررسی می‌توان آن را به دو زیر مسئله تعیین توالی کارها در هر مرحله و تخصیص کارها بر اساس توالی به دست آمده، به ماشینهای آن مرحله تقسیم نمود. به عبارت دیگر مسئله اصلی به دو زیر مسئله تعیین توالی کارها در هر مرحله و زمانبندی بر اساس توالی به دست آمده تبدیل می‌شود.

زمانبندی، عمل تخصیص کارها به ماشینها و تعیین زمان شروع و تکمیل برای هر کار است. فرض کنید یک توالی معین از کارها وجود دارد و می‌خواهیم کارها را به ترتیب توالی به ماشینها تخصیص دهیم. در این قسمت دو حالت زمانبندی پیشرو^{۲۶} و پسرو^{۲۷} را بیان می‌کنیم.

الف- زمانبندی پیشرو

در این زمانبندی نحوه تخصیص کارها به ماشینها به صورتی است که در هر مرحله، بر اساس توالی آن مرحله، کار به ماشینی تخصیص می‌یابد که زودترین زمان تکمیل را برای آن کار در آن مرحله (مستقل از سایر کارها)، به وجود آورد. این امر با توجه به زمان آماده بودن ماشینها در آن مرحله انجام می‌پذیرد. در این حالت ممکن است پردازش برخی از کارهای متعلق به یک دسته به اتمام برسد، اما این کارها باید منتظر بمانند تا کلیه کارهای متعلق به آن دسته تکمیل شوند. در واقع زمان تکمیل کارهای متعلق به یک دسته، زمانی است که کلیه کارهای متعلق به آن دسته تکمیل می‌شوند. وقتی که تعداد کارهای تخصیص یافته روی هر ماشین به مضرب صحیحی از ظرفیت آن ماشین رسید، یک دسته از کارها تشکیل می‌شود که زمان تکمیل آن دسته برابر طولانیترین زمان تکمیل کارهای متعلق به آن است. تعداد کارهای متعلق به یک دسته روی هر ماشین به اندازه ظرفیت آن ماشین است، مگر اینکه تخصیص کلیه کارها به اتمام رسیده باشد. در این حالت ممکن است دسته آخر روی هر ماشین، تعداد کار کمتری را نسبت به ظرفیت آن ماشین شامل باشد. زمان تکمیل کلیه کارهای متعلق به یک دسته یکسان و برابر زمان تکمیل آن دسته فرض می‌شود.

ماشین، برای مراحل دارای ماشینی با ظرفیت بیشتر از یک، اتصال برقرار می‌کند.

به منظور کم کردن تعداد محدودیتها و متغیرها، در برخی از ایستگاهها که ظرفیت ماشینها برابر یک است، نوع محدودیتها تغییر پیدا کرده است. این امر اگر چه تنوع محدودیتها و متغیرها را افزایش می‌دهد، اما تعداد آنها را کاهش می‌دهد. به طور مثال اگر یک مسئله جریان کاری ترکیبی با دو مرحله عملیاتی که در مرحله اول ۲ ماشین که ظرفیت هر دو آنها سه کار است و در مرحله دوم ۲ ماشین با ظرفیت یک وجود داشته باشد، آن گاه به منظور برقراری ارتباط بین تاریخ تکمیل هر کار در مرحله دوم با تاریخ تکمیلش در مرحله اول می‌توان از مجموعه محدودیتهای (۵) استفاده کرد که در این حالت ۶۰ محدودیت باید در نظر گرفته شود. اما اگر به دلیل اینکه تمام ماشینهای مرحله دوم دارای ظرفیت برابر یک هستند از مجموعه محدودیتهای (۴) استفاده شود، آن گاه تعداد ۱۰ محدودیت باید در نظر گرفته شود.

گری و همکاران [۲۲] نشان دادند که پیچیدگی مسئله $F3//C_{max}$ از نوع NP-Hard است و از آنجا که مسئله مورد بررسی در این تحقیق، تعمیم مسئله مذکور است، بنابراین حداقل از نوع NP-Hard خواهد بود. در نتیجه پیدا کردن جواب بهینه در زمان معقول برای مسئله ناممکن است و باید از راه حلهای ابتکاری برای حل آن استفاده کرد. به علت اینکه مسئله مورد بررسی در این تحقیق تعمیمی از مسئله ماشینهای موازی نیز است، همین نتیجه را می‌توان از NP-Hard بودن پیچیدگی مسئله $P//C_{max}$ نیز به دست آورد [۲۳].

۴- توسعه الگوریتمهای ابتکاری برای حل مسئله

در این بخش سه الگوریتم ابتکاری به منظور حل مسئله توسعه داده می‌شوند. الگوریتم ابتکاری اول، H1، از یک توالی پایه برای زمانبندی استفاده می‌کند. الگوریتم ابتکاری دوم، H2، بر پایه نظریه محدودیتها و الگوریتم ابتکاری سوم، H3، نیز بر پایه الگوریتمهای مربوط به مسئله ماشینهای موازی^{۲۵} استوار هستند.

• برای هر کار یک زمان پردازش مجازی را از طریق معادله

$$\tilde{p}_i = \sum_{j=1}^m \frac{p_{ij}}{\rho(j)}, \forall i = 1, 2, \dots, n$$

گام یک: قرار دهید $j=1$.

گام دو: اگر $j=1$ کارها را بر اساس زمان پردازش مجازیشان، به ترتیب صعودی مرتب کنید.

در غیر این صورت:

کارها را بر اساس زمان تکمیلشان در مرحله قبل از j ، به ترتیب صعودی مرتب کنید. در صورت تساوی زمان تکمیل کارها در مرحله قبلی، کار با زمان پردازش مجازی کمتر را در اولویت قرار دهید. توالی به دست آمده را توالی پایه بنامید.

گام سه: قرار دهید $i=1$.

گام چهار: قرار دهید $k=1$ و $\min=\infty$.

گام پنج: کار i ام از توالی پایه را به مکان k ام از توالی میانی تخصیص دهید. بر اساس توالی میانی به دست آمده، عملیات زمانبندی را انجام داده و مقدار c_{\max} حاصل از این زمانبندی را به دست آورید.

گام شش: اگر $\min > c_{\max}$ ، آن گاه

قرار دهید $\min = c_{\max}$ و توالی میانی مزبور را ذخیره کنید.

گام هفت: $k=k+1$.

گام هشت: اگر $k > i$ به گام نه بروید، در غیر این صورت با حذف کار i ام از توالی میانی، مجدداً به گام پنج بروید.

گام نه: توالی میانی را که در گام شش ذخیره کرده‌اید را در نظر گرفته و قرار دهید $i=i+1$.

گام ده: اگر $i > n$ به گام یازده بروید و در غیر این صورت به گام چهار بروید.

گام یازده: آخرین توالی را که در گام شش ذخیره کرده‌اید را به عنوان توالی مرحله j در نظر بگیرید و قرار دهید $j=j+1$.

گام دوازده: اگر $j > m$ به گام سیزده بروید، در غیر این صورت به گام دو بروید.

گام سیزده: الگوریتم را خاتمه دهید.

در هر مرحله زمان شروع هر کار، از معادله زیر به دست می‌آید.

$$S_{jki} = \max \{av_{jk}, c_{j-1,i}\} \quad (11)$$

که S_{jki} بیانگر زمان شروع کار i در مرحله j ، در صورت تخصیص به ماشین k ام است. همچنین $c_{j-1,i}$ برابر زمان تکمیل کار i در مرحله $j-1$ و av_{jk} برابر زمان آماده بودن ماشین k ام در مرحله j ام است.

ب- زمانبندی پسرو

در زمانبندی پسرو، هر کار در هر مرحله بر اساس توالی پایه آن مرحله و با توجه به زمان آماده بودن ماشینها، بصورت رو به عقب به ماشینی اختصاص می‌یابد که مستقل از سایر کارها، دیرترین زمان شروع را برای آن کار موجب شود.

وقتی که تعداد کارهای تخصیص یافته روی هر ماشین به مضرب صحیحی از ظرفیت آن ماشین رسید، یک دسته از کارها تشکیل می‌شود که زمان شروع آن دسته برابر بزرگترین زمان شروع کارهای متعلق به آن فرض می‌شود. تعداد کارهای متعلق به یک دسته روی یک ماشین به اندازه ظرفیت آن ماشین است مگر اینکه تخصیص کلیه کارها به اتمام رسیده باشد. در این حالت، در هر ماشین ممکن است تعداد کارهای دسته اول، از ظرفیت آن ماشین کمتر باشد. زمان شروع کلیه کارهای متعلق به یک دسته یکسان و برابر زمان شروع آن دسته فرض می‌شود. پس از بیان زمانبندیهای پیشرو و پسرو، به بیان الگوریتمهای ابتکاری می‌پردازیم.

۴-۱- الگوریتم ابتکاری H1

این الگوریتم مسئله را به m مسئله ماشینهای موازی تبدیل می‌کند. این الگوریتم پس از تعیین توالی کارها، برای تخصیص کارها به ماشینها از زمانبندی پیشرو استفاده می‌کند. گام صفر:

• برای هر مرحله شاخص ρ را از طریق معادله زیر حساب کنید.

$$\rho(j) = \sum_{k=1}^l v_{jk} * u_{jk}, \quad \forall j = 1, 2, \dots, m \quad (12)$$

۴-۲- الگوریتم ابتکاری H2

الگوریتم ابتکاری دوم، از ایده مربوط به نظریه محدودیتها الهام گرفته شده است. در این الگوریتم ابتدا ایستگاه گلوگاه شناسایی می‌شود و سپس توالی کارها برای مراحل قبل از ایستگاه گلوگاه با زمانبندی پسر و مشخص می‌شوند.

پس از تعیین توالی کارها برای ایستگاههای قبل از ایستگاه گلوگاه، به زمانبندی پیشرو پرداخته می‌شود. توالی کارها برای ایستگاه گلوگاه و ایستگاههای بعد از آن، به ترتیب صعودی از زمان تکمیل کارها در ایستگاه بلافاصله قبل از آن، به دست می‌آید.

گام صفر: برای هر مرحله شاخص ρ را از طریق معادله $\rho(j) = \sum_{k=1}^{I_j} v_{jk} * u_{jk}, \forall j = 1, 2, \dots, m$ محاسبه کرده و سپس بر اساس آن برای هر مرحله شاخص $\rho(j)$ را از طریق معادله زیر حساب کنید.

$$\text{Indicator}(j) = \sum_{i=1}^n \frac{P_{ij}}{\rho(j)}, \quad \forall j = 1, 2, \dots, m \quad (13)$$

گام یک: مرحله‌ای که بزرگترین مقدار indicator را دارد به عنوان گلوگاه در نظر بگیرید و شماره آن را در متغیر bottleneck ذخیره کنید.

گام دو: برای هر کار یک زمان پردازش مجازی را بر اساس معادله زیر به دست آورید.

$$\tilde{p}_i = \sum_{j=\text{bottleneck}}^m \frac{P_{ij}}{\rho(j)}, \quad \forall i = 1, 2, \dots, n \quad (14)$$

گام سه: قرار دهید: $j = \text{bottleneck} - 1$

گام چهار: اگر $j = \text{bottleneck} - 1$ آن گاه کارها را بر اساس زمان پردازش مجازی آنها به ترتیب نزولی مرتب کنید.

در غیر این صورت:

کارها را بر اساس زمان شروعشان در مرحله بلافاصله بعد از مرحله j ، به ترتیب نزولی مرتب کنید. در صورت تساوی زمان شروع بین چند کار، اولویت را به کار دارای زمان پردازش مجازی بزرگتر بدهید.

گام پنج: در مرحله j کارها را به صورت رو به عقب (بر اساس توالی به دست آمده در گام چهار و زمان شروعشان در مرحله $j+1$)، به ماشینی تخصیص دهید که مستقل از سایر کارها، دیرترین زمان شروع برای هر یک از آنها به دست آید (زمانبندی پسر). در صورتی که در مرحله $j = \text{bottleneck} - 1$ هستید زمان آماده بودن ماشینها در مرحله بلافاصله بعد را برابر یک عدد بزرگ مانند T فرض کنید.

گام شش: $j = j - 1$

گام هفت: اگر $j = 0$ به گام هشت بروید، در غیر این صورت به گام چهار بروید.

گام هشت: قرار دهید $j = 1$

گام نه: اگر $j < \text{bottleneck}$

کارها را بر اساس زمان شروعشان در مرحله j مرتب کنید. در صورت تساوی زمان شروع بین چند کار، اولویت را به کار دارای زمان پردازش مجازی کوچکتر بدهید.

در غیر این صورت:

کارها را بر اساس زمان تکمیلشان در مرحله $j - 1$ مرتب کنید. در صورت تساوی زمان تکمیل بین چند کار، اولویت را به کار دارای زمان پردازش مجازی کوچکتر بدهید.

گام ده: کارها را به صورت رو به جلو و بر اساس توالی به دست آمده در گام نه، به ماشینی اختصاص دهید که مستقل از سایر کارها، زودترین زمان تکمیل را برای آن کار به وجود آورد (زمانبندی پیشرو).

گام یازده: قرار دهید: $j = j + 1$

گام دوازده: اگر $m > j$ آن گاه به گام سیزده بروید، در غیر این صورت به گام نه بروید.

گام سیزده: الگوریتم را خاتمه دهید.

۴-۳- الگوریتم ابتکاری H3

این الگوریتم مسئله را به m مسئله ماشینهای موازی تبدیل می‌کند. الگوریتم H3 ابتدا برای هر کار یک زمان پردازش مجازی را محاسبه کرده و بر اساس آن توالی کارها در مرحله

برای مقایسه کارایی الگوریتمهای ارائه شده در دست نیست. در نتیجه برای مقایسه کارایی الگوریتمها، داشتن یک کران پایین می تواند مبنای مقایسه مناسبی باشد. بنابراین در این بخش یک کران پایین به این منظور توسعه داده شده است که به بیان آن می پردازیم.

$$LB = \max_{\substack{\forall i=1, \dots, n \\ \forall j=1, \dots, m}} \{lb(j), lb'(i)\} \quad (15)$$

که

$$lb(j) = \sum_{h=1}^{j-1} \frac{\min_{i=1, \dots, n} \{p_{ih}\}}{\max_{k=1, \dots, l_h} \{v_{hk}\}} + \max \left\{ \frac{\sum_{i=1}^n p_{ij}}{\sum_{k=1}^{l_j} v_{jk} * u_{jk}}, \frac{\max_{i=1, \dots, n} \{p_{ij}\}}{\max_{k=1, \dots, l_j} \{v_{jk}\}} \right\} + \sum_{h=j+1}^m \frac{\min_{i=1, \dots, n} \{p_{ih}\}}{\max_{k=1, \dots, l_h} \{v_{hk}\}}, \forall j = 1, \dots, m \quad (16)$$

و

$$lb'(i) = \sum_{j=1}^m \frac{p_{ij}}{\max_{k=1, \dots, l_j} \{v_{jk}\}}, \forall i = 1, \dots, n \quad (17)$$

به منظور توضیح، فرض کنید در مرحله ای مانند j قرار داریم. اولین کاری که در این مرحله تکمیل می شود را k_1 و آخرین کار را k_n می نامیم. اولین جمله از سمت چپ معادله مربوط به $lb(j)$ یک کران پایین برای حداقل زمان ممکن است که طول می کشد تا کار k_1 به مرحله j برسد. جمله دوم آن بیانگر یک کران پایین برای زمان تکمیل کار k_n ، در مرحله j است. جمله سوم معادله مربوط به $lb(j)$ نیز بیانگر یک کران پایین برای مدت زمانی است که طول می کشد تا کار k_n پس از خروج از مرحله j ، کاملاً تکمیل شود. در نتیجه مجموع این سه جمله یک کران پایین برای تابع هدف کمینه کردن حداکثر زمان تکمیل کارها را می دهد. اما چون می توان به جای مرحله j هر مرحله دلخواه دیگر را در نظر گرفت، بنابراین m کران پایین به دست می آید.

همچنین هر یک از مجموعه کرانهای مربوط به $lb'(i)$

اول را تعیین می کند. الگوریتم سپس بر مبنای توالی به دست آمده، به انجام زمانبندی پیشرو می پردازد. در ادامه به بیان دقیقتر الگوریتم H3 می پردازیم:

گام صفر:

• برای هر مرحله شاخص p را از معادله

$$p(j) = \sum_{k=1}^{l_j} v_{jk} * u_{jk}, \forall j = 1, 2, \dots, m$$

به دست آورید.

• برای هر کار یک زمان پردازش مجازی را از معادله

$$\tilde{p}_i = \sum_{j=1}^m \frac{p_{ij}}{p(j)}$$

حساب کنید.

گام یک: قرار دهید $j=1$

گام دو: اگر $j=1$ کارها را بر اساس زمان پردازش مجازیشان به ترتیب صعودی مرتب کنید.

در غیر این صورت:

کارها را بر اساس زمان تکمیلشان در مرحله قبل به ترتیب صعودی مرتب کنید. در صورت تساوی زمان تکمیل بین چند کار، اولویت را به کار دارای زمان پردازش مجازی کوچکتر بدهید.

گام سه: در مرحله j کارها را به ترتیب توالی به دست آمده در گام دو و با توجه به زمانهای آماده بودن ماشین آلات، به ماشینی تخصیص دهید که زودترین زمان تکمیل را برای آن کار مستقل از سایر کارها - به وجود آورد.

گام چهار: $j=j+1$

گام پنج: اگر $j > m$ به گام شش بروید.

در غیر این صورت:

به گام دو بروید.

گام شش: الگوریتم را خاتمه دهید.

۴-۴ توسعه یک کران پایین

از آنجایی که مدل مطرح شده در این مقاله تاکنون در ادبیات موضوع مطرح نشده است و از سوی دیگر بعلافت NP-Hard بودن مسئله، پیدا کردن جواب بهینه در زمان معقول برای مسائل با اندازه متوسط و بزرگ ناممکن است، بنابراین مبنایی

جدول ۱- پارامترهای مسائل مختلف

پارامتر مسئله	پایین	متوسط	بالا
تعداد کارها	۱۰	۵۰	۱۰۰
تعداد ایستگاهها	۲	۱۰	۲۰
تعداد ماشینها در هر مرحله	۱	U[1,4]	U[2,8]
زمانهای پردازش	U[12,18]		U[8,22]
سرعت ماشینها		U[1,4]	
ظرفیت ماشینها	U[1,5]		U[5,10]

از هر نوع مسئله، ده مثال به صورت تصادفی ایجاد شده و در داخل یک فایل متنی قرار داده شده است (جمعا ۱۰۸۰ مسئله). کلیه برنامه‌های رایانه‌ای این تحقیق با زبان برنامه نویسی Visual Basic6 نوشته و توسط یک کامپیوتر P IV با پردازنده ۲۴۰۰ مگا هرتز اجرا شده اند.

۵-۲- مقایسه الگوریتمهای ابتکاری

پس از تهیه مسایل مختلف، هر یک از مسایل به ترتیب از داخل فایل متنی ذکر شده در قسمت ۴-۱ خوانده شده و توسط الگوریتمهای ابتکاری H1، H2 و H3 حل شده‌اند. به عبارت دیگر هر یک از الگوریتمهای ابتکاری، ۱۰۸۰ بار اجرا^{۲۸} شده‌اند. نتایج به دست آمده از اجرای این سه الگوریتم ابتکاری در جدول (۲) نشان داده شده است. معیار انحراف نسبی برای هر یک از جوابها، از معادله زیر به دست می‌آید.

$$\text{انحراف نسبی} = \frac{\text{کران پایین} - \text{جواب به دست آمده از الگوریتم ابتکاری}}{\text{کران پایین}} \quad (18)$$

نتایج نشان می‌دهد که از نظر زمانهای حل، الگوریتمهای ابتکاری H2 و H3 تفاوت زیادی با هم ندارند، اما الگوریتم ابتکاری H1 در حل مسایل، به طور نسبی زمانبر نشان می‌دهد. الگوریتم ابتکاری H3 از نظر معیارهای میانگین جوابها و حداکثر جوابهای به دست آمده از حل مسائل مختلف، نتایج

بیانگر یک کران پایین برای مدت زمان تکمیل یک کار دلخواه است و بدیهی است که حداکثر زمان تکمیل کارها (C_{max})، بزرگتر یا مساوی زمان تکمیل هر یک از کارهاست. در نتیجه n کران پایین دیگر نیز به دست می‌آید. لذا تعداد (m+n) کران پایین برای مسئله داریم و بدیهی است که بزرگترین آنها، به عنوان بهترین کران پایین برای مسئله انتخاب شود.

۵- نتایج محاسباتی

در این بخش ابتدا مسائل تصادفی با اندازه‌های مختلف را مورد بررسی قرار داده و سپس به مقایسه سه الگوریتم ابتکاری H1، H2 و H3 با یکدیگر می‌پردازیم.

۵-۱- تولید داده‌های تصادفی برای مسئله

در این قسمت نحوه تولید مسائل تصادفی مختلف ارائه می‌شود. شش پارامتر از مسئله انتخاب شده و برای هر کدام از پارامترها سطوحی چون بالا، متوسط و پایین - به صورت نشان داده شده در جدول (۱) تعریف شده است.

فرض شده است که در هر ایستگاه با احتمال ۰/۷ تمام ماشینها دارای ظرفیت برابر یک و با احتمال ۰/۳ دارای ظرفیتهای متفاوت‌اند. این ظرفیتهای متفاوت بر اساس حالات معرفی شده در جدول (۱) مشخص می‌شوند. تعداد ترکیبات مختلفی که توسط مقادیر مختلف این ۶ پارامتر می‌توان به دست آورد برابر ۱۰۸ ($2 \times 1 \times 2 \times 3 \times 3 \times 3$) نوع مسئله است.

جدول ۲- نتایج به دست آمده از اجرای سه الگوریتم ابتکاری

الگوریتم	میانگین جوابها	بالاترین تابع هدف	پایستترین تابع هدف	میانگین زمانهای حل (بر حسب ثانیه)	میانگین انحراف نسبی
الگوریتم ابتکاری H1	۶۳۳/۵۵	۴۱۷۲/۷۵	۱۰/۵	۹/۲۱	۰/۴۳۱
الگوریتم ابتکاری H2	۵۶۱/۱۱	۲۴۹۷/۰۸	۱۰/۵	۰/۰۴۴	۰/۲۷۴
الگوریتم ابتکاری H3	۵۴۲/۳۱	۲۲۹۵/۸۳	۱۰/۵	۰/۰۱۷	۰/۲۳۸

H2 بر پایه نظریه محدودیتها و الگوریتم H3 نیز بر پایه الگوریتمهای مربوط به مسئله ماشینهای موازی استوارند. به منظور مقایسه کارایی الگوریتمها، کران پایینی برای مسئله مذکور توسعه داده شد. هر یک از الگوریتمها روی تعداد زیادی از مسائل تصادفی اجرا شدند که نتایج محاسباتی به دست آمده نشان دهنده برتری الگوریتم ابتکاری H3، از نظر معیارهای میانگین جوابها، میانگین انحراف نسبی از کران پایین و بزرگترین مقدار برای تابع هدف، نسبت به سایر الگوریتمهای ابتکاری دارد. ارائه الگوریتمهای ابتکاری و فوق ابتکاری^{۲۹} مختلف با مکانیزمهای مختلف برای تعیین توالی کارها در هر مرحله و یا تخصیص به ماشینها، می تواند به عنوان زمینه ای برای انجام تحقیقات بیشتر روی این مسئله در نظر گرفته شود. در نظر گرفتن توابع هدف مختلف یا در نظر گرفتن دو یا چند تابع هدف به صورت همزمان و توسعه الگوریتمهای ارائه شده برای حل آنها می تواند زمینه ای دیگر برای تحقیقات آتی باشد. همچنین اضافه کردن محدودیتهایی مانند وجود حالت مونتاژ و یا ترکیب محیطهای زمانبندی مختلف، که باعث عملیتر شدن و نزدیکتر شدن به مسائل زمانبندی واقعی می شوند و توسعه الگوریتمهای ارائه شده برای حل آنها می تواند به عنوان زمینه ای دیگر برای تحقیقات آتی در نظر گرفته شود.

بهتری را نسبت به سایر الگوریتمها می دهد. این در حالی است که الگوریتم ابتکاری H1 از لحاظ این معیارها، بدترین نتایج را می دهد.

۶- خلاصه و نتیجه گیری

در این مقاله به بررسی مسئله زمانبندی دسته ای در محیط جریان کاری منعطف با تابع هدف کمینه کردن حداکثر زمان تکمیل کارها پرداخته شد. در این مقاله فرض شده است که برخی از ماشینها قابلیت انجام همزمان چند کار را دارند. ایستگاههایی مثل کوره اعم از کوره های پخت و عملیات گرماتی، سند بلاست، شات بلاست، ریخته گری (قالبهای خوشه ای) و ... از جمله ایستگاههایی هستند که در آنها چند کار به طور همزمان می توانند روی یک ماشین مورد پردازش قرار گیرند. ابتدا مدل ریاضی عدد صحیح مختلط مسئله مذکور ارائه شد و نشان داده شد که مسئله مذکور حداقل از نوع NP-Hard است. برای حل مسئله، آن را به دو زیر مسئله تعیین توالی کارها در هر مرحله و تخصیص کارها به ماشینها بر اساس توالی آن مرحله تقسیم کردیم. سپس سه الگوریتم ابتکاری به نامهای H1، H2 و H3 به منظور حل مسئله توسعه داده شد. الگوریتم H1 از یک توالی پایه برای زمانبندی استفاده می کند. الگوریتم

واژه نامه

- | | | |
|------------------------------------|-------------------------|------------------------------------|
| 1. flexible flow shop | 6. sequence dependent | 11. group scheduling |
| 2. branch and bound | 7. traveling sales man | 12. make span |
| 3. heuristic | 8. johnson rule | 13. immune algorithm |
| 4. mixed integer programming | 9. theory of constraint | 14. total weighted earliness times |
| 5. total weighted completion times | 10. tabu search | 15. total weighted tardiness times |

- | | | |
|------------------------------------|-----------------------------|--------------------|
| 16. total weighted waiting times | 21. approximation algorithm | 26. forward |
| 17. constructive genetic algorithm | 22. preemption | 27. backward |
| 18. meta heuristic | 23. set up time | 28. run |
| 19. simulated annealing | 24. ready time | 29. meta heuristic |
| 20. genetic algorithm | 25. parallel machines | |

مراجع

- Salvador, M., "A Solution to a Special Case of Flow Shop Scheduling Problems," In: Elmaghraby, S.E. (Ed.), *Symposium on the Theory of Scheduling and its Applications*, Springer, Berlin, pp. 83-91, 1973.
- Linn, R., and Zhang, W., "Hybrid Flow Shop Scheduling: a Survey," *Computers and Industrial Engineering*, Vol. 37, pp. 57-61, 1999.
- Kochhar, S., and Mords, J. T., "Heuristic Methods for Flexible Flow Line Scheduling," *Journal of Manual System*, Vol. 6, pp. 299-314, 1987.
- Sawik, T., "An Exact Approach for Batch Scheduling in Flexible Flow Lines with Limited Intermediate Buffers," *Mathematical and Computer Modeling*, Vol. 36, pp. 461-471, 2002.
- Kyparisis, G. J., and Koulamas, C., "A Note on Weighted Completion Time Minimization in a Flexible Flow Shop," *Operations Research Letters*, Vol. 29, pp. 5-11, 2001.
- Kurz, M. E., and Askin, R. G., "Comparing Scheduling Rules for Flexible Flow Lines," *International Journal of Production Economics*, Vol. 85, pp. 371-388, 2003.
- Kurz, M. E. and Askin, R. G., "Scheduling Flexible Flow Lines with Sequence-Dependent Setup Times," *European Journal of Operational Research*, Vol. 159, pp. 66-82, 2004.
- Acero-Dominguez, M. J., and Paternina-Arboleda, C. D., "Scheduling Jobs on a K-Stage Flexible Flow Shop Using a TOC-Based (bottleneck) Procedure," *Systems and Information Engineering Design Symposium*, pp. 295-298, 2004.
- Oguz, C., Zinder, Y., Do, V. H., Janiak, A., and Lichtenstein, M., "Hybrid Flow Shop Scheduling Problems with Multiprocessor Task Systems," *European Journal of Operational Research*, Vol. 152, pp. 115-131, 2004.
- Logendran, R., Carson, S., and Hanson, E., "Group Scheduling in Flexible Flow Shop," *International Journal of Production Economics*, Vol. 96, pp. 143-155, 2005.
- Kyparisis, G. J., and Koulamas, C., "Flexible Flow Shop Scheduling with Uniform Parallel Machines," *European Journal of Operational Research*, Vol. 168, pp. 1-13, 2006.
- Logendran, R., Deszoeke, P., and Barnard, F., "Sequence-Dependent Group Scheduling Problems in Flexible Flow Shops," *International Journal of Production Economics*, Vol. 102, pp. 66-86, 2006.
- Zandieh, M., Fatemi Ghomi, S.M.T., and Moattar Husseini, S.M., "An Immune Algorithm Approach to Hybrid Flow Shops Scheduling with Sequence-Dependent Setup Times," *Applied Mathematics and Computation*, Vol. 180, pp. 111-127, 2006.
- Janiak, A., Kozan, E., Lichtenstein, M., and Oguz, C., "Metaheuristic approaches to the Hybrid Flow Shop Scheduling Problem with a Cost-Related Criterion," *International Journal of Production Economics*, Vol. 105, pp. 407-424, 2007.
- Shiau, D., Cheng, S., and Huang, Y., "Proportionate Flexible Flow Shop Scheduling Via a Hybrid Constructive Genetic Algorithm," *Expert Systems with Applications*, In Press.
- Monma, C. L., and Potts, C. N., "On the Complexity of Scheduling with Batch Setup Times," *Operations Research*, Vol. 37, pp. 798-804, 1989.
- Vakharia, A.J., and Chang, Y.-L., "A Simulated Annealing Approach to Scheduling a Manufacturing Cell," *Naval Research Logistics*, Vol. 37, pp. 559-577, 1990.
- Monma, C. L., and Potts, C. N., "Analysis of Heuristics for Preemptive Parallel Machine Scheduling with Batch Setup Times," *Operations Research*, Vol. 41, pp. 981-993, 1993.
- Potts, C. N., and Van Wassenhove, L. N., "Integrating Scheduling with Batching and Lot-Sizing: A Review of Algorithms and Complexity," *Journal of the Operational Research Society*, Vol. 43, pp. 395-406, 1992.
- Webster, S. T., and Baker, K. R. "Scheduling Groups of Jobs on a Single Machine," *Operations Research*, Vol. 43, pp. 692-703, 1995.
- Potts, C. N., and Kovalyov, M. Y., "Scheduling with Batching: A Review," *European Journal of Operational Research*, Vol. 120, pp. 228-249, 2000.
- Garey, M. R., Johnson, D. S., and Sethi, R., "The Complexity of Flow Shop and Job Shop Scheduling," *Mathematics of Operation Research*, Vol. 1, pp. 117-129, 1976.
- Garey, M. R., and Johnson, D. S., "Strongly NP-Completeness Results: Motivation Examples and Implication," *Journal of Association for Computing Machinery*, Vol. 25, pp. 499-508, 1978.